



۱۶ جوزا ۱۳۸۱

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان
د افغانستان د بشر د حقونو خپلواک کمیسیون
AFGHANISTAN INDEPENDENT HUMAN RIGHTS COMMISSION

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان
ریاست بررسی‌های ویژه

تحلیل و ارزیابی وضعیت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی

پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان

(از ۱۵ اگست ۲۰۲۱ تا ۱۵ اگست ۲۰۲۲ میلادی)

ناشر: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	بخش نخست
۲	موارد نقض حقوق بشر دوستانه بین المللی
۲	میزان تلفات افراد ملکی:
۲	تفکیک تلفات افراد ملکی از لحاظ جنسیت و سن:
۳	عاملان نقض حقوق بشر دوستانه بین المللی در افغانستان:
۳	تلفات افراد ملکی بر اساس نوع حوادث:
۴	تلفات افراد ملکی بر اساس موقعیت جغرافیایی:
۵	حمله بر خبرنگاران، فعالین مدنی و مدافعین حقوق بشر:
۷	بخش دوم
۷	موارد نقض حقوق بشر:
۷	برجسته ترین قضایای نقض حقوق بشری بر مبنای کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر:
۷	نقض حق حیات:
۷	حق آزادی و امنیت شخصی:
۷	حق طی مراحل قانونی:
۸	حق کرامت انسانی:
۸	حق ملکیت:
۹	حق مسکن:
۹	حق تعلیم و تربیه:
۱۰	حق آزادی ازدواج و انتخاب همسر:
۱۰	حق آزادی بیان و آزادی رسانه ها:
۱۰	حق آزادی اجتماعات:
۱۱	حق دسترسی به کار و شغل مناسب:
۱۱	وضعیت حقوق بشری اشخاص دارای معلولیت:
۱۲	وضعیت حقوق بشری زنان در افغانستان:
۱۲	نتیجه گیری:
۱۳	پیشنهادها و توصیه ها:

در پانزدهم اگست سال ۲۰۲۱ میلادی، با سقوط نظام جمهوری و با تسلط گروه طالبان بر کشور، شیرازه نظام دموکراسی در افغانستان از هم پاشید و دست‌آورد های ۲۰ ساله نظام و مردم افغانستان در عرصه‌های سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به مخاطره جدی و غیرقابل جبران مواجه شد. ساختارهای مدنی مدافع حقوق بشر و حقوق زنان از بین رفت. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی، انجمن مستقل وکلای مدافع و تعداد دیگری از ساختارها، به گونه غیرقانونی از سوی طالبان ملغاً اعلان شد. آزادی بیان، آزادی رسانه‌ها و گردش آزاد اطلاعات، در شرایط ناگوار قرار گرفت. زنان، حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خویش را تا حد زیاد از دست دادند و افغانستان تحت حاکمیت طالبان، عملاً به شکنجه‌گاه بزرگ برای زنان کشور مبدل شد. در یک‌ساله گذشته، گروه‌های آسیب‌پذیر و به حاشیه‌رانده شده هزاره‌شبیعه، نه تنها شأن شهروندی خویش را نزد حکام مسلط از دست دادند، که در معرض یک نسل‌کشی واضح، جدی و وحشت‌ناک قرار گرفته‌اند؛ از آن میان، هم‌وطنان سیکه‌ و اهل هند ما ناگزیر به ترک گروهی سرزمین آبیایی خویش شدند. افراد متعلق به شاخه تباری اچکزی، در ولایت‌های جنوب‌غربی کشور، به بهانه‌های مختلف، مورد آسیب و آزارهای فراوان قرار گرفتند. هزاران تن از کارکنان دولتی و غیردولتی، وظایف شان را از دست دادند. سکتور خصوصی ورشکست شد و در این یک‌سال، فقر و بی‌کاری چنان به اوج خود رسید که تعدادی از شهروندان فقیر و بی‌همه‌چیز کشور، از فرط فقر، ناگزیر به فروش کودکان خویش شدند. تعداد زیادی از شخصیت‌ها و چهره‌های اثرگذار سیاسی، اداری و نظامی، مجبور به ترک کشور شدند و میلیون‌ها جوان مایوس، راه دشوار و موهوم مهاجرت را در پیش گرفتند.

در مدت یادشده، طالبان، به جای این‌که به خاطر جنایات گذشته خویش از مردم افغانستان معذرت بخواهند، گناه‌های نکرده مردم کشور را بخشیدند و عفو عمومی اعلام کردند. طالبان، حتی به تعهدات خویش در زمینه گویا عفو عمومی هم عمل نکردند و خلاف موازین و معیارهای پذیرفته شده بین‌المللی، به منسوبین نظامی و ملکی حکومت گذشته و مجموع مردم بی‌دفاع کشور، رنج‌ها و آسیب‌های زیادی رساندند. اعلان عفو عمومی، جامعه را به دو دسته تقسیم کرد: گنه‌کاران برون از حیطه فکر و روش طالبان و بی‌گناهانی که از نام حاکمیت طالبان صحبت می‌کردند. این روش بر نفاق سیاسی و نفرت اجتماعی بیش‌تر دامن زد.

گروه طالبان، با تسلط تامی که بر سراسر کشور دارد، هنوز نتوانسته نظام و سیستم حکومتی خویش را طبق موازین رایج جهانی، تعریف و تشریح کند و در این زمینه از تناقضات و پارادوکس‌های زیادی رنج می‌برد. مردم نمی‌دانند که این گروه که نه مشروعیت لازم ملی دارد و نه اراده هم‌سویی و هم‌خوانی با ارزش‌های پذیرفته شده جامعه بین‌المللی را از خویش تیارز داده‌است، چگونه توقع به رسمیت‌شناسی از سوی جامعه بین‌المللی را دارد؟

دولت‌های عضو سازمان ملل متحد، که متعهد به رعایت مفاد اسناد بین‌المللی حقوق بشر استند، نباید حکومت خودخوانده یک گروه مسلط فاقد مشروعیت را که به نقض گسترده حقوق بشر ادامه می‌دهد و هنوز هم به گونه رسمی، «قطعاً نظامی انتحاری» دارد، به رسمیت بشناسند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، با درک مسؤلیت قانونی و ملی خویش، بی‌هیچ امکانات مادی و با جلب همکاری فعالان رضاکار حقوق بشر، وضعیت دردآور حقوق بشری شهروندان کشور در یک‌سال اخیر را تا حد ممکن نظارت و مستندسازی کرده‌است، که اینک طی گزارش مستند و تحلیلی حاضر، خدمت مردم دردمند کشور، رسانه‌ها، میکانیسم‌های حقوق بشری بین‌المللی و وجدان‌های بیدار جهان، پیش کش می‌کند.

ما هیچ تأکیدی بر کامل بودن این گزارش نداریم و می‌دانیم که بنابر نبود امکانات، ده‌ها مورد از نقض‌های به‌وقوع‌پیوسته حقوق بشری از قید این گزارش باز مانده‌است.

به دلایل امنیتی، نمی‌توانیم منابع معلوماتی و شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات مندرج در این گزارش را شرح بدهیم، اما به وضاحت می‌گوییم که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، مثل همیشه، متعهد به نشر گزارش‌های مؤثق و مستند، با رویکرد کاملاً غیرسیاسی است و در تهیه گزارش‌های نظارتی و تحلیلی خویش، معیارهای لازم را در نظر می‌گیرد.

گزارش حاضر، یک مقدمه و دو بخش دارد. در بخش نخست، وضعیت حقوق بشر دوستانه بین‌المللی بازتاب می‌یابد و در بخش دوم، وضعیت حقوق بشری شهروندان کشور، مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد.

بخش نخست

موارد نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی

گروه طالبان در یک سال گذشته قادر به شکل‌دهی ابتدایی‌ترین موازین دولت مشروع و حکومت قانون‌مند نشده است. حضور طالبان در قدرت از طریق جبر و استبداد، تخطی صریح از حقوق بین‌الملل به حساب می‌آید. از دید علوم سیاسی و مناسبات بین‌الملل، حاکمیت طالبان، حاکمیت تحمیل‌شده سیاسی است، که حق انحصار قدرت و تحمیل قوه قهریه مشروع را بر مردم افغانستان ندارد. از این رو، عمل کردهای طالبان، به هر نامی که با تحمیل و قدرت قهریه اعمال می‌گردد، یا احکام وضع شده از سوی رهبری این گروه، تخطی از موازین حقوق بین‌الملل پنداشته می‌شود.

با آن که این حکومت خودخوانده، هیچ‌گونه احترامی به ارزش‌های دموکراتیک، اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی و موازین حقوق بشر قایل نیست، خود را دولت و نماینده تام‌الاختیار مردم افغانستان می‌داند. این تناقض، سبب کم‌رنگ شدن حمایت‌ها و برنامه‌های جهانی، به‌ویژه حمایت‌های فوری به مردم افغانستان شده و کمک‌های بشردوستانه بین‌المللی به افغانستان را به‌چالش کشانیده است. اگر امروز مردی در چهارراهی دهبوری شهر کابل از گرسنگی جان می‌دهد و یا شهروندان فقیر کشور، کودکان خویش را به فروش می‌گذارند، مسؤول مستقیم این وضعیت، حاکمیت بی‌برنامه طالبان است.

در ذیل، یافته‌های ما، در زمینه موارد نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی در افغانستان، پیشکش می‌گردد، که نشان‌دهنده رویکردهای به شدت ظالمانه گروه‌های طالبان و داعش در کشور است.

میزان تلفات افراد ملکی:

با توجه به آمار و ارقام به دست آمده توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، دوره یک‌ساله حاکمیت طالبان، سال پرچالش و دردناکی برای مردم افغانستان بوده است. پایند نبودن گروه طالبان به اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی و قواعد پذیرفته شده جنگ، قربانی‌های زیادی از مردم کشور گرفته است. آمار کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می‌دهد که از ۱۵ اگست سال ۲۰۲۱ تا ۱۵ اگست سال ۲۰۲۲ میلادی، در مجموع ۲۶۲۶ تن از افراد ملکی در افغانستان کشته و زخمی شده‌اند؛ که از این میان ۱۵۲۰ تن کشته و ۱۱۰۶ تن دیگر زخمی شده‌اند.

در این جا، یک بار دیگر تأکید می‌کنیم که ممکن است تعدادی از قضایا در برخی از نقاط دوردست کشور، به دلیل عدم دسترسی فعالین حقوق بشر به آن مناطق، از دیدرس ما باز مانده و در این گزارش بازتاب نیافته باشد.

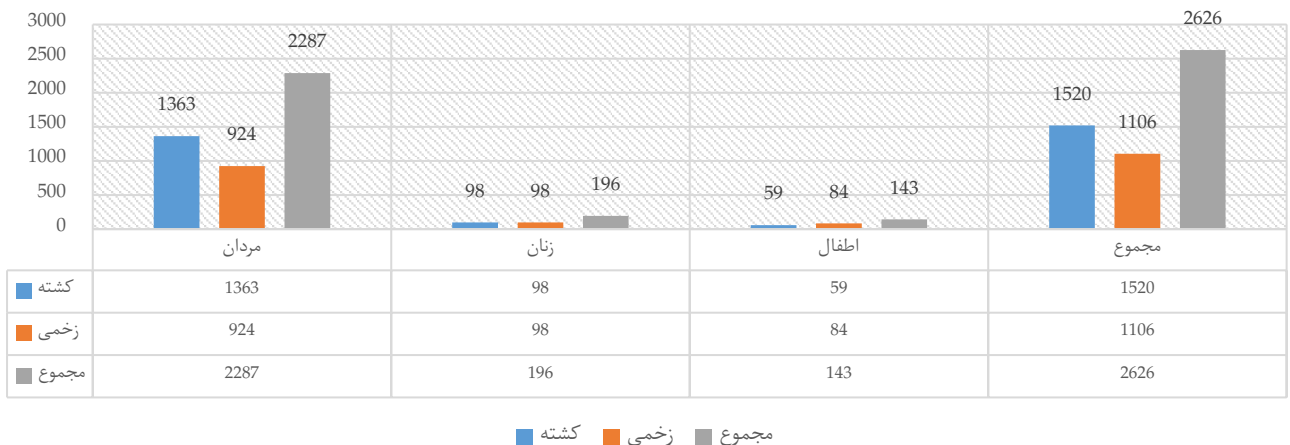
تفکیک تلفات افراد ملکی از لحاظ جنسیت و سن:

رقم تلفات ملکی زنان در دوره زمانی یادشده، مجموعاً ۱۹۶ تن قربانی است، که شامل ۹۸ تن کشته و ۹۸ تن زخمی می‌شود.

رقم تلفات اطفال در یک سال حاکمیت طالبان، مجموعاً ۱۴۳ تن قربانی، شامل ۵۹ کشته و ۸۴ زخمی است.

رقم تلفات ملکی مردان، در دوره زمانی یادشده به ۲۲۸۷ تن قربانی می‌رسد، که ۱۳۶۳ کشته و ۹۲۴ زخمی را دربر می‌گیرد.

ارقام مجموعی تفکیک تلفات افراد ملکی از لحاظ سن و جنسیت



عوامل نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی در افغانستان:

با آن که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، سازمان‌های مدافع حقوق بشر، نهادهای جامعه مدنی و سازمان ملل متحد همیشه از گروه طالبان خواسته‌اند که معیارهای حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی را رعایت کند و به تعهدات و مسؤولیت‌های خویش در زمینه تأمین امنیت شهروندان، عمل نماید. اما، با تأسف، طالبان نه تنها برای شهروندان به گونه لازم تأمین امنیت نکرده که خود نیز به عنوان عامل اساسی نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی تبارز کرده‌است.

یافته‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می‌دهد که گروه طالبان از یک سو بدون توجه به رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی، به کشتار هدفمند افراد ملکی و اسرا ادامه داده و از سوی دیگر نتوانسته است از حملات بزرگ و هدفمند انتحاری گروه موسوم به شاخه خراسان داعش، که باعث تلفات سنگین ملکی در میان اقلیت‌های مذهبی و قومی می‌شوند، جلوگیری کند.

گرچند گروه طالبان، طی اعلامیه‌هایی، خود را متعهد به آسیب نرساندن به افراد ملکی قلمداد کرده‌اند، اما شواهد و قراین واضحی وجود دارد که نشان می‌دهد این گروه مرتکب نقض قواعد و مقررات حقوق بشردوستانه شده و افراد غیرنظامی را در جریان حملات علیه مخالفان خویش، در نقاط مختلف کشور، مورد هدف قرار داده‌است.

گروه طالبان، با حاکمیت مجدد خویش از پانزدهم اگست سال ۲۰۲۱ میلادی به این سو، تمامی ساختارهای امنیتی-دفاعی کشور را فاقد ظرفیت تخصصی، پراکنده و غیر کارآمد ساخته و افرادی را در این ساختارها گماشته است که هیچ گونه تعهد به اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی و کمترین احترام به ارزش‌های حقوق بشری شهروندان ندارند.

طالبان، در جریان یک سال حاکمیت مجدد خویش، به ویژه در مناطقی که وضعیت متشنج تر داشته‌است، به تلاشی منازل مردمان ملکی و حملات نظامی در مناطق مسکونی پرداخته و حتا سبب کشتار عمدی مردم، به ویژه در ولایت‌های پنجشیر، بغلان، تخار، غزنی، دایکندي، غور، بدخشان، کندهار و ولسوالی بلخاب ولایت سرپل شده‌است. طالبان، در تعداد از مناطق یادشده، سبب کوچ اجباری و بیجاشدن هزاران خانواده و غصب ملکیت‌های ساکنان این ولایت‌ها گردیده‌است.

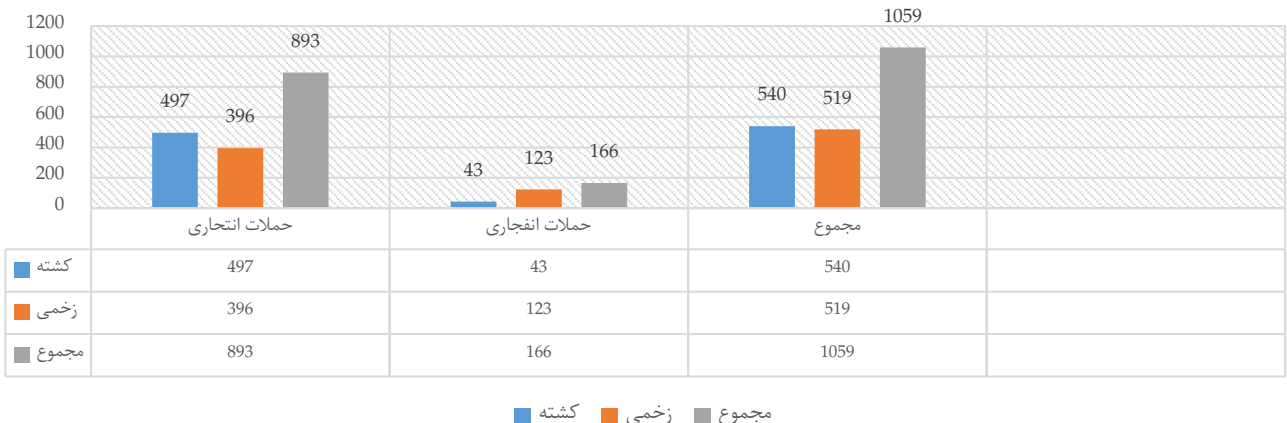
طبق اسناد و شواهد موجود، بسیار واضح است، که در این دوره زمانی، عامل عمده و اصلی نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی در افغانستان، گروه طالبان و عامل دوم فجایع یادشده، شاخه خراسان گروه داعش، است.

تلفات افراد ملکی بر اساس نوع حوادث:

یافته‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می‌دهد که از تسلط مجدد طالبان در افغانستان تا امروز، حملات انتحاری و انفجاری، آرامش شهروندان ملکی و بی‌دفاع کشور را ربوده‌است. در این دوره زمانی، بیش از ۱۷ حمله بزرگ و هدفمند انتحاری و انفجاری در اماکن مقدس، مکاتب، کورس‌های آموزشی، بس‌های ترانسپورتی، استدیوم ورزشی و میدان هوایی، بالای مردمان ملکی و شهروندان عادی اجتماع صورت گرفته‌است، در این حملات، به تعداد ۱۰۵۹ تن از شهروندان ملکی، قربانی شده‌اند، که از جمله، ۸۹۳ تن، شامل ۴۹۷ کشته و ۳۹۶ زخمی، در حملات انتحاری و ۱۶۶ تن دیگر، شامل ۴۳ کشته و ۱۲۳ زخمی، در حملات انفجاری، قربانی شده‌اند. قربانیان حوادث یادشده همه افراد ملکی، به ویژه نمازگزاران، دانش‌آموزان، دانش‌جویان و اهل کسبه بوده‌اند.

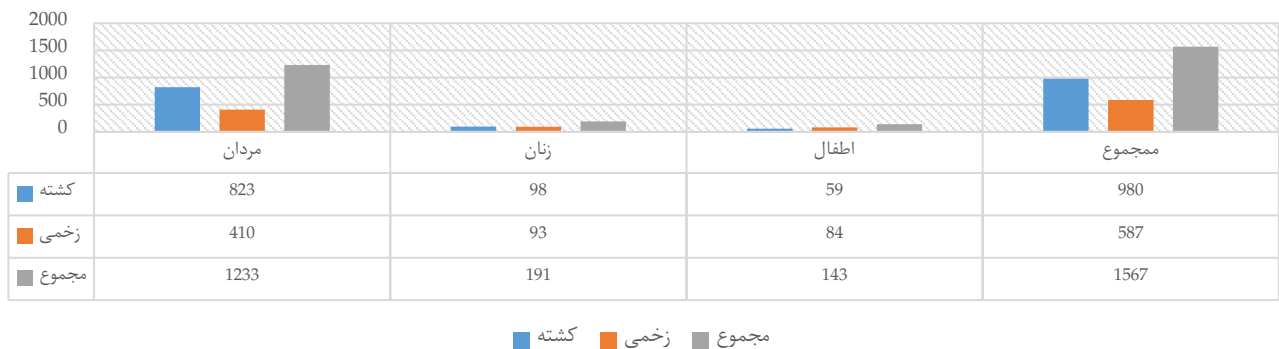
گروه داعش، مسؤولیت تعداد کثیری از عملیات‌های انتحاری و انفجاری را پذیرفته‌است و به عنوان عامل اصلی این گونه رویدادها شناخته می‌شود.

تلفات ملکی ناشی از حملات هدفمند انتحاری و انفجاری



در دوره زمانی یادشده، علاوه بر حملات انتحاری و انفجاری که قبلاً شرح داده شد، شیوه‌ها و روش‌های قتل‌های هدفمند، درگیری‌های زمینی، تیرباران اسرای جنگی و محاکمه صحرایی، به ترتیب، باعث بیش‌ترین میزان قربانیان ملکی در کشور شده‌است. یافته‌های ما نشان می‌دهد، که در اثر روش‌های یادشده جمعاً ۱۵۶۷ تن از افراد ملکی، قربانی شده‌اند، که شامل ۹۸۰ تن کشته و ۵۸۷ تن زخمی می‌شود. از جمع کشته‌شده‌ها، ۷۴۳ تن ترور و به‌گونه هدفمند به‌قتل رسیده‌است. در میان کشته‌شدگان، ۵۹ طفل، ۹۸ زن و ۸۲۳ مرد شامل‌اند و زخمی‌های روش‌های یادشده، مشمول ۸۴ طفل، ۹۳ زن و ۴۱۰ مرد است.

تلفات ملکی ناشی از ترور و قتل‌های هدفمند، درگیری‌های زمینی، تیرباران اسرای جنگی و محاکمه صحرایی



تصویر از حمله انتحاری در امام‌بارگاه شیعیان کندهار

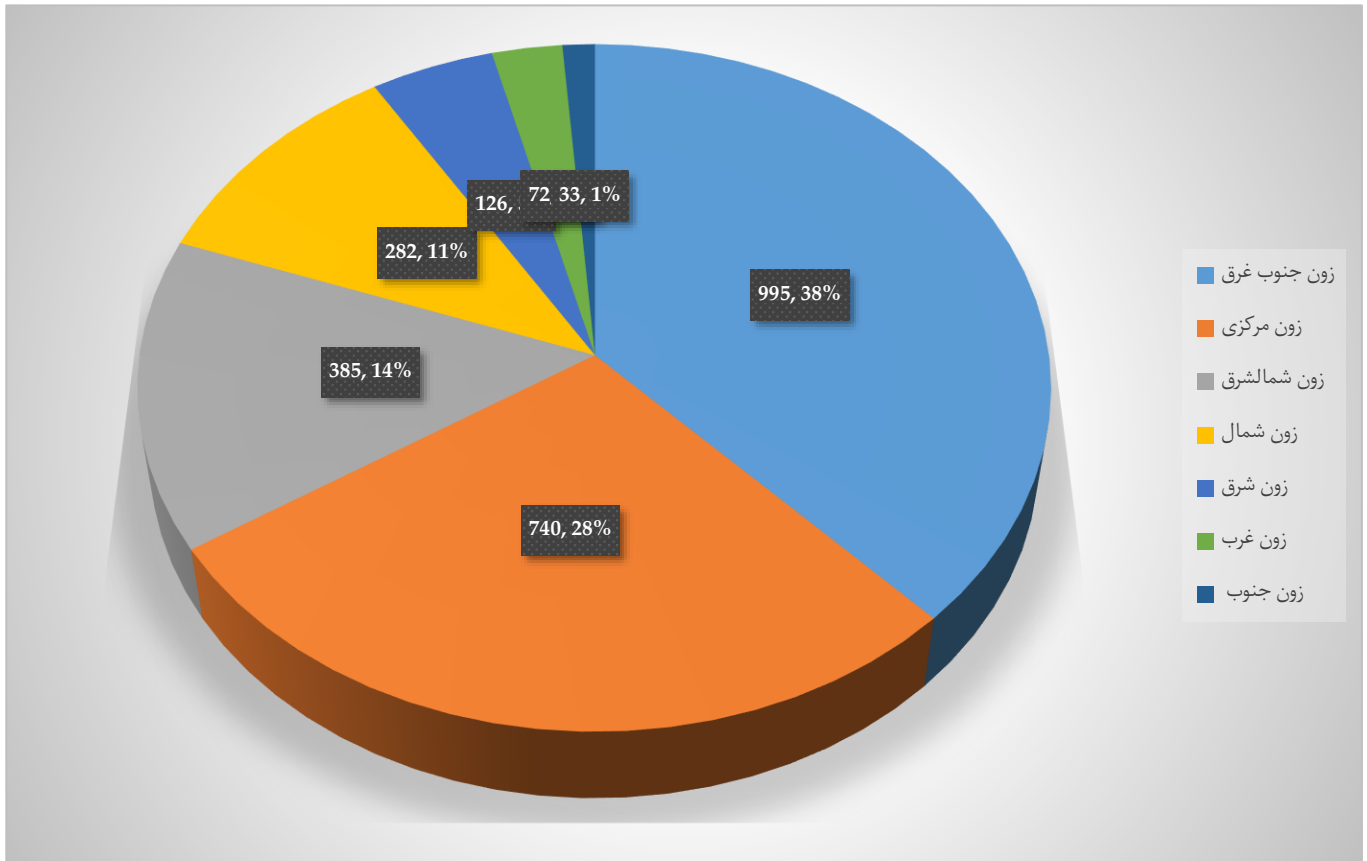
تلفات افراد ملکی بر اساس موقعیت جغرافیایی:

در این گزارش، کشور، به هفت زون تقسیم‌بندی شده‌است:

- ۱- زون مرکز: شامل ولایت‌های کابل، پنجشیر، پروان، کاپیسا، میدان‌وردک، بامیان، غور، دایکندی و لوگر؛
- ۲- زون شمال: شامل ولایت‌های بلخ؛ جوزجان، سمنگان، سرپل و فاریاب؛
- ۳- زون شمال‌شرق: شامل ولایت‌های کندز، تخار، بغلان و بدخشان؛
- ۴- زون جنوب‌غرب: شامل ولایت‌های کندهار، هلمند، زابل و ارزگان؛
- ۵- زون غرب: شامل ولایت‌های هرات، فراه، نیمروز و بادغیس؛
- ۶- زون شرق: شامل ولایت‌های ننگرهار، کنر، لغمان و نورستان؛
- ۷- زون جنوب: شامل ولایت‌های پکتیا، خوست، پکتیکا و غزنی.

بر اساس یافته‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، بیش‌ترین تلفات افراد ملکی در سطح زون‌ها، قرار ذیل صورت گرفته است:

- زون جنوب غرب، با ۹۹۵ تن قربانی (۳۸ درصد کل تلفات ملکی)، در ردیف اول؛
- زون مرکز، با ۷۴۰ تن قربانی (۲۸ درصد کل تلفات ملکی)، در ردیف دوم؛
- زون شمال شرق، با ۳۸۵ تن قربانی (۱۴ درصد کل تلفات ملکی)، در ردیف سوم؛
- زون شمال، با ۲۸۲ تن قربانی (۱۱ درصد کل تلفات ملکی)، در ردیف چهارم؛
- زون شرق، با ۱۲۶ تن قربانی (۷ درصد کل تلفات ملکی)، در ردیف پنجم؛
- زون غرب، با ۷۲ تن قربانی ملکی، در ردیف ششم؛
- زون جنوب، با ۳۳ تن قربانی ملکی، در ردیف هفتم تلفات افراد ملکی، قرار گرفته است.



حمله بر خبرنگاران، فعالین مدنی و مدافعین حقوق بشر

اطلاع‌رسانی و پوشش خبری رویدادهای مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای شهروندان، از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است. بازتاب خبری و تحلیلی رویدادهای منازعات مسلحانه در افغانستان، رسانه‌ها را به یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعات و شکل‌دهنده افکار عامه، مبدل ساخته است. بر بنیاد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، خبرنگاران، مدافعان حقوق بشر و فعالان جامعه مدنی نباید از سوی اطراف جنگ، مورد تعرض قرار بگیرند؛ اما با تأسف، در جریان حاکمیت طالبان، آنان نیز از تعرض مصون نمانده‌اند.

طبق گزارش سازمان گزارش‌گران بدون مرز، پیش از ۱۵ اگست سال ۲۰۲۱ میلادی، ۵۴۷ رسانه در افغانستان فعالیت داشت، که از آن میان، ۲۱۹ رسانه، فعالیت خود را متوقف کرده‌اند و از ۱۱۸۵۷ روزنامه‌نگار و فعال رسانه‌یی، ۷۶.۱۹ درصد آنان شغل خود را از دست داده‌اند.

این سازمان خاطر نشان کرده است که در یک سال گذشته، بیش‌ترین ضربه متوجه روزنامه‌نگاران زن بوده است. طبق این گزارش، یک سال پیش، در ۱۱ ولایت افغانستان، ۲۷۵۶ روزنامه‌نگار و کارمند رسانه‌یی زن مصروف کار بود، اکنون تنها ۶۵۶ تن آنان کار می‌کنند.

پس از تسلط دوباره طالبان، آزادی بیان به شدت محدود شده، سانسور افزایش یافته و خبرنگاران زیادی شغل‌های شان را از دست داده‌اند و همه این‌ها در گیرودار بحران اقتصادی عمیق و سرکوب آزادی مطبوعات، اتفاق افتاده است.

یافته‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می‌دهد که حداقل ۴۰ مورد خشونت علیه کارکنان رسانه‌یی و فعالین مدنی در یک سال اخیر ثبت گردیده، که از آن جمله ۲۲ تن خبرنگار و ۱۰ فعال مدنی بازداشت شده، ۲ خبرنگار زخمی و ۴ تن خبرنگار شکنجه شده و بیش از ۴ شبکه اطلاع‌رسانی مسدود شده است.

به‌گونه مثال: طالبان دو تن از گزارشگران روزنامه اطلاعات روز در کابل، تصویر بردار تلویزیون رهنورد در مزار شریف، یک خانم خبرنگار از تلویزیون انعکاس در ننگرهار، یک خبرنگار خارجی در کابل و دو فعال مدنی در ولایات کندهار و هلمند را به‌خاطر پوشش‌های خبری و بازتاب مشکلات مردم از طریق شبکه‌های اجتماعی، بازداشت و شکنجه کرده‌اند.

بخش دوم

موارد نقض حقوق بشر

واقعیّت انکار ناپذیر این است که طالبان، در یک سال گذشته، در غیاب و نبود قانون اساسی، حاکمیت قانون و نهادهای نظارت بر تطبیق قانون، عمل کرده‌اند. این رویکرد طالبان، تخطی آشکار از قوانین بین‌المللی و حقوق بشر است. در این مدت، طالبان، تمام موازین حقوق بشر بین‌المللی را که دولت افغانستان در طول ۵۰ سال گذشته به آن پیوسته است، زیر پا کرده و آسیب کلانی به جایگاه دولت افغانستان در ساختارهای نظام بین‌الملل وارد کرده است. این رویکرد، مردم کشور را به قربانی اصلی تخطی‌های گسترده طالبان تبدیل کرده و افغانستان را از دید فرهنگ حقوق بشر و کرامت انسانی، به آسیب‌پذیرترین کشور جهان مبدل کرده است.

برجسته‌ترین قضایای نقض حقوق بشری بر مبنای کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر:

در جریان یک سال حاکمیت مجدد طالبان، مظالم و استبداد گروه حاکم به اوج خود رسیده و قضایای وحشت‌ناک و باور نکردنی نقض حقوق بشر رخ داده است، که در این زمینه می‌توان از: قطع دست، شلاق‌زدن، سربیدن، تیرباران کردن، به‌دار آویختن، سوزاندن جسد، هتک حرمت و تشهیر کردن، از کوه انداختن، لت و کوب کردن، ناپدید ساختن، اختطاف، گروگان‌گیری، ترور و قتل‌های هدفمند، کوچ اجباری، ازدواج اجباری، تاراج دارایی عامه، غصب ملکیت، تخریب ملکیت، تخریب آثار هنری و باستانی و ده‌ها مظالم دیگر یاد کرد. در ذیل، مهم‌ترین قضایای نقض حقوق بشر را دسته‌بندی و پیرامون هر کدام توضیح خواهیم داد:

نقض حق حیات:

حق حیات، از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین حقوق انسان‌هاست و در تمامی اسناد بین‌المللی حقوق بشر، مورد احترام و تأکید قرار دارد؛ مگر با تأسف در افغانستان، این حق، چنانی که لازم است، احترام و رعایت نمی‌گردد.

یافته‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می‌دهد که از آغاز حاکمیت مجدد گروه طالبان تا امروز، به‌تعداد ۲۶۲۶ تن، در اثر خلاف‌ورزی از موازین حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، کشته و زخمی شده‌اند.

یافته‌های ما نشان می‌دهد که در دوره زمانی یادشده به‌تعداد ۳۰ تن شامل ۹ زن، محکمه صحرایی شده و ۲۵ تن دیگر شامل ۱۱ زن و دختر جوان، دست به خودکشی زده‌اند.

حق آزادی و امنیت شخصی:

حق آزادی و امنیت شخصی، از مهم‌ترین حقوق انسان است که در ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی-سیاسی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و برخی دیگر از اسناد بین‌المللی، مورد تأکید قرار گرفته است. حق آزادی و امنیت شخصی، دومین حق بشری بوده و به معنا این است که هر فردی در چوکات قانون و موازین حقوق بشری حق دارد تا از آزادی و امنیت بهره‌مند گردد.

گروه طالبان، در جریان یک سال حاکمیت دوباره خویش، همواره این حق بشری شهروند را نقض کرده و به‌بهانه‌های مختلف، آزادی مردمانی را که منتقد اعمال فراقانونی طالبان‌اند، گرفتار و سلب آزادی کرده و پای شان را به بازداشت‌گاه‌ها و زندان‌ها کشانیده است. این افراد شامل مخالفان سیاسی طالبان، کارکنان ملکی و نظامی حکومت پیشین، خبرنگاران، مدافعان حقوق بشر، فعالان و مدافعان حق زن، فعالان جامعه مدنی و کارشناسان منتقد تفکر و برخوردهای طالبان، می‌باشند.

یافته‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می‌دهد که در دوره زمانی یادشده، گروه طالبان، ۳۳۶ تن از کارمندان ملکی و نظامی حکومت پیشین، ۱۷۱ مورد بازداشت و تهدید جدی علیه وکلای مدافع، به‌ویژه وکلای متخصص در دفاع از حقوق بشر و زنان، ۲۲ خبرنگار، ۱۰ فعال مدنی، ۱ فعال سیاسی و ۲ شهروند خارجی و ترجمان‌های شان را بازداشت نموده، حق آزادی و امنیت شخصی آنان را سلب کرده است.

حق طی مراحل قانونی:

حق طی مراحل قانونی، به‌معنای حق برخورداری از عدالت مؤثر و کارآمد از سوی دستگاه دولتی (قضاء) است و تضمینی برای عدالت اساسی و منصفانه و در ضمن، طی نمودن مراحل قانونی پرونده مظنون و یا متهم در جریان پروسه محاکماتی و یک نوع الزام قانونی تلقی می‌شود، که برحسب آن دولت‌ها باید به‌تمام حقوق بشری و قانونی که به یک شخص تعلق دارد، احترام بگذارند.

موضوع قابل بحث این است که طالبان به حقوق بشری زندانیان در محلات سلب آزادی، از جمله حق دسترسی به وکیل مدافع، رسیده‌گی به پرونده‌ها در معیاد معینه قانونی، دسترسی به وضعیت معیشتی شامل غذا، لباس و تداوی زندانیان، توجه قابل قبول نداشته و حقوق بشری بازداشت‌شده‌گان را نقض کرده‌اند.

به‌گونه‌ی مثال: طالبان، برای زندانیان محبس ولایت فاریاب غذا نمی‌دهند. یکی از زندانیان، که سه ماه پیش در زندان ولایت فاریاب زندانی بود، گفته است: «طالبان، از هر زندانی، به‌خاطر تهیه غذای سه‌وقته، مبلغ ۱۵۰ افغانی، اخذ می‌کردند...».

از سوی دیگر، طالبان، ۳۵۰۰ تن از دادستان‌ها و سارنوالان مسلکی را از وظایف شان سبک‌دوش کرده و به‌جای شان، طلاب بی‌تجربه و غیرمسلکی مدارس دینی را گماشته‌اند. ظرفیت این دادستان‌های غیرمسلکی، چنان پایین است که سبب ماه‌ها تأخیر در رسیدگی قانونی به پرونده‌های متهمان می‌شود.

طالبان، انجمن مستقل وکلای مدافع را لغو کرده و به جای آن ریاستی را زیر نام ریاست وکلای مدافع در وزارت عدلیه ایجاد کرده‌است، که به هیچ‌وجه ماهیت مستقل ندارد. هم‌چنان، از شورای عالی وکلای مدافع، که تحت ریاست وزیر عدلیه طالبان و با ترکیب معین امنیتی وزارت امور داخله، معین اداره استخبارات طالبان، معاون وزارت دفاع و چند تن دیگر از گماشتگان گروه طالبان، فعالیت می‌کند، قطعاً نمی‌توان چشم‌داشت تأمین عدالت داشت.

وزارت عدلیه طالبان، از تاریخ ۲۲ نوامبر سال ۲۰۲۱ میلادی به این سو، با صدور فرمانی، استقلالیت انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان را برای صدور مجوز به وکلای مدافع، سلب کرده‌است. در این فرمان طالبان آمده‌است که تنها وکلای مدافع مورد تأیید طالبان، اجازه حضور در محاکم و نهادهای عدلی و قضایی را خواهند داشت.

حق کرامت انسانی:

کرامت انسانی، به معنای ارزش ذاتی و فطری فرد انسانی و به‌رسمیت شناختن کرامت بشر و احترام به جایگاه ویژه انسان‌هاست. دین مبیین اسلام، در آیه کریمه «ولقد کرمانا بنی آدم...» جایگاه خاصی را به انسان‌ها قایل شده‌است.

طالبان، با وجودی که همواره داد از نظام اسلامی و تطبیق احکام شریعت می‌زند، بدون رعایت این حق، به تعدی و ظلم بالای مردم، به‌ویژه بالای کارمندان دولت پیشین، مبادرت می‌ورزند و از جریان گرفتاری و بازداشت، تا آخرین مرحله رسیدگی، به اعمال شکنجه و برخوردهای ظالمانه و ضد انسانی می‌پردازند. روایت زندانیان آزادشده، گزارش سازمان عفو بین‌الملل و گزارش دفتر معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان، از نقض صریح حق کرامت بشری و کاربرد شکنجه در زندان‌ها و توقیف‌خانه‌های طالبان، پرده برمی‌دارند. طالبان، تاکنون به نهادهای نظارت‌کننده، اجازه بازدید از محلات سلب آزادی را نمی‌دهند، تا تخطی‌های شان بیش‌تر برملا نشود.

یافته‌های ما نشان می‌دهد که طالبان در یک سال گذشته، حداقل ۶۳ تن از افراد بازداشت‌شده، به‌شمول ۴ خبرنگار، ۱۹ نظامی پیشین، ۲۱ فرد ملکی و ۲ زن را در جریان بازداشت شدیداً شکنجه کرده‌اند و چهره‌های ۱۶ تن از افراد مظنون و متهم را در ولایت‌های کابل، کندهار، هرات، تخار، بدخشان، غور و نیمروز، با برپا کردن محاکمه‌های صحرایی، تشهیر کرده‌اند. وحشت‌ناک‌تر این‌که از جریان تعدادی از بازرسی‌ها و محاکمه‌های صحرایی، در حالی که بدن‌های بازداشت‌شده‌گان زن و مرد لخت گردیده، فلم گرفته شده و در شبکه‌های اجتماعی پخش و نشر شده‌است.

حق ملکیت:

حق ملکیت، از مهم‌ترین حقوق اشخاص است و در اسناد بین‌المللی حقوق بشر تسجیل یافته‌است.

بر مبنای اطلاعات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، گروه طالبان در بسا موارد به این حقوق احترام نگذاشته و حقوق بشری و قانونی شهروندان کشور را عملاً نقض کرده‌است.

طالبان در جریان حاکمیت شان بالای مردم برخی از مناطق هزاره‌نشین مانند بلخاب، غزنی، دایکندی و هلمند، انواع ظلم و تعدی را روا داشته، مردمان را از خانه‌های شان کوچ داده و ملکیت‌های شان را به زور و جبر، تصاحب کرده‌است.

به‌گونه‌ی مثال: کوچی‌ها با استفاده از حمایت گروه طالبان، ۹۰۰ جریب زمین مردم هزاره را در منطقه فقیرشاه ولسوالی جغتوی ولایت غزنی غصب کرده و قصد دارند بالای زمین‌های غصب‌شده شان شهرک مسکونی اعمار کنند. هم‌چنان منابع محلی در ولسوالی بلخاب ولایت سرپل گفته‌اند که صدها خانواده هزاره از روستاهای قلعه‌گگ، تخشار، چنارک، هوش و لرکرد از مربوطات بازارهای کهنه و جدید این ولسوالی، به‌دلیل ترس از جنگ‌جویان طالبان، خانه و دارایی خویش را رها کرده، به کوه‌ها آواره شده‌اند و به ملکیت‌های خویش دسترسی ندارند.

هم‌چنان، اپارتمان‌ها و منازل تعداد زیادی از منسوبین حکومت پیشین و سیاسیون کشور، از سوی طالبان مصادره و غصب گردیده، منسوبین طالبان، از آن‌ها استفاده می‌کنند.



آواره گان ولسوالی
بلخاب ولایت
سرپل

حق مسکن:

این حق، یکی از مهم‌ترین حقوق انسان‌ها به‌شمار می‌رود و در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و قانون اساسی کشور، به رعایت و احترام این حق، تأکید شده است.

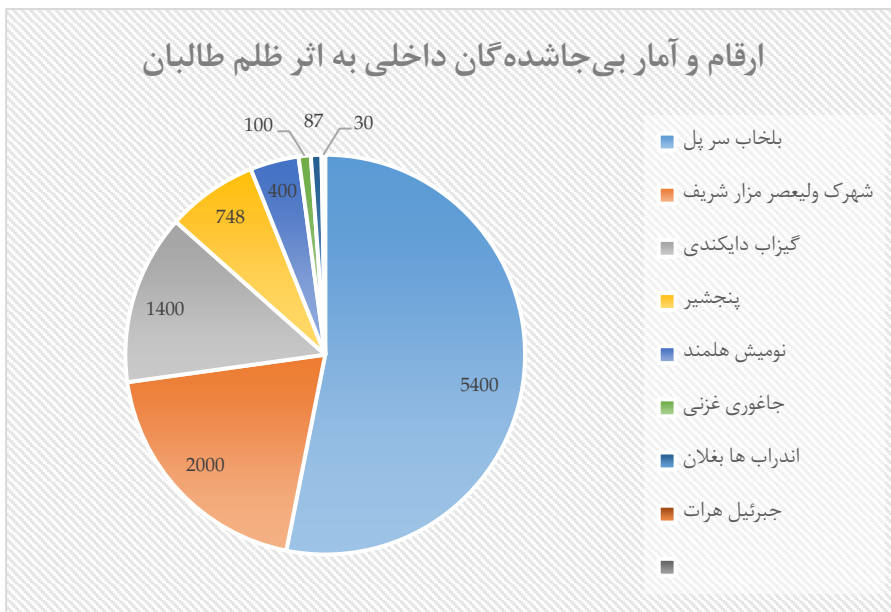
گروه طالبان، از زمان به قدرت رسیدن شان در افغانستان، همواره و به تکرار این حق بشری مردم را سلب کرده و در جریان جنگ با مخالفین خویش، انواع ظلم و فشار را بالای خانواده‌ها و مردم ملکی در تعدادی از مناطق مثل بلخاب، پنجشیر، اندراب، خوست و فرنک، مزارشريف، دایکندی، غزنی، هلمند و... روا داشته و مردم را وادار به کوچ اجباری کرده‌اند.

یافته‌های ما نشان می‌دهد که از ۱۵ اگست سال ۲۰۲۱ میلادی به این سو، ۱۰۱۶۵ خانواده، شامل ۵۴۰۰ خانواده از ولسوالی بلخاب ولایت سرپل، ۲۰۰۰ خانواده از شهرک ولی عصر مزارشريف، ۱۴۰۰ خانواده از ولسوالی گیزاب ولایت دایکندی، ۷۴۸ خانواده از ولایت پنجشیر، ۴۰۰ خانواده از ولسوالی نومیش ولایت هلمند، ۱۰۰ خانواده از ولایت غزنی، ۸۷ خانواده از ولسوالی اندراب، ۳۰ خانواده از منطقه جبرئیل ولایت هرات، در اثر نا امنی و جنگ‌های تحمیل شده از سوی طالبان، مجبور به ترک منازل مسکونی شان شده‌اند.

حق تعلیم و تربیه:

حق آموزش و پرورش، از بنیادی‌ترین حقوق بشری فرد است. این حق اساسی، از آغاز تسلط دوباره طالبان بر کشور، با چالش‌های بزرگ و جدی مواجه است. دختران و زنان، که بیش‌تر از نیم نفوس جامعه افغانی را تشکیل می‌دهند، اکثراً از این حق محروم شده‌اند و گروه حاکم، برخلاف موازین حقوق بشر و آموزه‌های شریعت اسلامی، این حق را عملاً از دختران سلب کرده است. با آن که شهروندان کشور، جامعه بین‌المللی و سازمان‌ها و نهادهای مدافع حقوق بشر و حقوق زنان، با واکنش‌های گسترده و پی‌هم، رویکرد طالبان در این زمینه را نکوهش کرده و خواستار بازگشایی مکاتب به‌روی دختران شده‌اند، رهبری طالبان کوچک‌ترین وقعی به این خواست‌ها نگذاشته و

سرنوشت این قشر بزرگ اجتماع را در هاله ابهام و بلاتکلیفی کشانیده است.



از سوی دیگر، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، نهادهای جامعه مدنی و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش، نگران کیفیت درسی و دست‌بردهای نابه‌جای گروه طالبان به نصاب آموزشی کشور است.

حق آزادی ازدواج و انتخاب همسر:

ازدواج، در شریعت اسلام، قوانین نافذ کشور و اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تعریف گردیده و یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین حقوق اشخاص بالغ (زن و مرد) به حساب می‌آید. متأسفانه در یک‌ساله گذشته، بنابر شرایط جنگی و فقر گسترده اقتصادی، مردم افغانستان شاهد رویدادهای ناگوار در عرصه فروش دختران، ازدواج‌های زیر سن، ازدواج‌های اجباری و ممانعت از ازدواج‌های قانونی بودند.

در دوره جمهوری، نهادهای مدافع حقوق بشر، تا حدود زیادی از نقض این حق جلوگیری به عمل می‌آوردند، ولی در حاکمیت طالبان، که بیش‌تر تابع عرف و سنت‌های قبیلوی است، این حق بشری، با چالش‌های جدی مواجه است.

یافته‌های ما نشان می‌دهد که در دوره زمانی این گزارش، حد اقل ۱۵ دخترانم، در ولایات کندهار، بدخشان، تخار، غزنی و به‌ویژه در جریان جنگ‌های ولسوالی بلخاب، از ترس تجاوز جنگ‌جویان طالب و پامال شدن عزت خانواده‌گی، از سوی والدین خویش، وادار به ازدواج اجباری شده‌اند.

هم‌چنان در ولایت‌های کندهار، هرات و غور، تعدادی از خانواده‌ها، به دلیل فقر اقتصادی، دختران زیر سن شان را به فروش گذاشته بودند. این موضوع، بازتاب گسترده رسانه‌یی نیز داشت.

نمونه دیگر: طالبان، اسامی گلشن را که ۳۷ سال سن دارد، به‌روز دوشنبه، ۱۷ اسد سال روان، در دره عبدالله‌خیل ولایت پنجشیر، به دلیل رد درخواست ازدواج، لت‌وکوب کرده، دستش را شکستاندند.

حق آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها:

حق آزادی بیان، از بنیادی‌ترین حقوق مدنی-سیاسی شهروند است، که افغانستان در بیست سال گذشته در این زمینه، جایگاه شایسته‌یی در میان کشورهای منطقه و جهان داشت. با به‌قدرت رسیدن طالبان، حق آزادی بیان در افغانستان، به شدت آسیب دید. طالبان، سانسور گسترده‌یی را بر نشرات رسانه‌ها وضع کرده و به فعالان رسانه‌یی، مدنی و سیاسی مجالی داده نمی‌شود تا دیدگاه‌های خویش را راجع به عمل کرد منفی طالبان ابراز کنند.

در این دوره، تعدادی از سیاسیون، اساتید دانشگاه و فعالان رسانه‌یی، به دلیل بیان آزاد، بازداشت شده‌اند. طبق گزارش سازمان گزارش‌گران بدون مرز، پیش از ۱۵ اگست سال ۲۰۲۱ میلادی، ۵۴۷ رسانه در افغانستان فعالیت داشت، که از آن میان، ۲۱۹ رسانه، فعالیت خود را متوقف کرده‌اند و از جمع ۱۱۸۵۷ روزنامه‌نگار، ۷۶،۱۹ درصد آنان شغل خود را از دست داده‌اند.

این سازمان خاطر نشان کرده است که در یک‌سال گذشته، بیش‌ترین ضربه متوجه روزنامه‌نگاران زن بوده است. طبق این گزارش، یک‌سال پیش، در ۱۱ ولایت افغانستان، ۲۷۵۶ روزنامه‌نگار و کارمند رسانه‌یی زن مصروف کار بود، اکنون تنها ۶۵۶ تن آنان کار می‌کنند.

پس از تسلط دوباره طالبان، آزادی بیان به شدت محدود شده، سانسور افزایش یافته و خبرنگاران زیادی شغل‌های شان را از دست داده‌اند و همه این‌ها در گیرودار بحران اقتصادی عمیق و سرکوب آزادی مطبوعات، اتفاق افتاده است.

یافته‌های ما نشان می‌دهد که طالبان در این دوره، ۳ استاد دانشگاه، ۱ فعال سیاسی، ۱۱ فعال مدنی و ۲۲ خبرنگار را به دلیل اظهار عقاید، دیدگاه‌ها و پوشش خبری رویدادها، بازداشت، لت‌وکوب و شکنجه کرده است.

مولوی مجیب‌الرحمن انصاری، از حامیان برجسته گروه طالبان، در نشست علمای طالبان، اعلام کرد که «اگر کسی در برابر حکومت کنونی سر بلند می‌کند، باید سرزده شود». همچنان، ملاحبت‌الله آخندزاده، رهبر گروه طالبان، روز پنج‌شنبه، مؤرخ ۲۲ جولای سال ۲۰۲۲ میلادی، طی بیانیه‌یی اعلام کرد که انتقاد از مسؤولان این گروه در اسلام جایز نیست و کسانی که از کارمندان حکومتی انتقاد می‌کنند، مجازات خواهند شد... این‌گونه دستورها، به گونه واضح در تعارض با حق آزادی بیان بوده و زمینه را برای سرکوب بی‌رحمانه معترضان و نقض بیش‌تر حقوق و آزادی‌های شهروندان، فراهم می‌کند.

حق آزادی اجتماعات:

این حق، از مهم‌ترین حقوق بشری شهروندان است، که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به رسمیت شناخته شده است. از زمان به‌قدرت رسیدن دوباره طالبان تا امروز (از ۱۵ اگست ۲۰۲۱ تا ۱۵ اگست سال ۲۰۲۲ میلادی)، راه‌پیمایی‌ها و اجتماعات و اعتراضات زنان و هواداران تأمین حقوق بشری زن، ۵ بار در شهرهای کابل، مزار شریف، هرات، تخار و بامیان، با واکنش‌های تند نیروهای نظامی و امنیتی طالبان مواجه شده و اشتراک‌کننده‌گان، مورد خشونت قرار گرفته‌اند.

اسناد واضح وجود دارد که نشان می‌دهد طالبان بعد از کشته‌شدن ایمن‌الظواهری در کابل، شهروندان مناطق مختلف کشور را مجبور به تظاهرات و راه‌پیمایی بر علیه امریکا کرده است. این در حالی است که هم ممانعت از اجتماعات، تظاهرات و راه‌پیمایی‌ها و هم مجبور ساختن شهروندان به تظاهرات و راه‌پیمایی‌ها، در تقابل آشکار با ارزش‌های حقوق بشری قرار دارد.

حق دسترسی به کار و شغل مناسب:

حق دسترسی به کار و شغل مناسب، در قوانین نافذ کشور و اسناد بین‌المللی حقوق بشر، از حقوق اساسی افراد جامعه محسوب می‌شود و هر فرد حق دارد که شغل خود را به‌گونه آزادانه انتخاب و مزد عادلانه و مناسب دریافت کند. طبق گزارش دفتر توسعه سازمان ملل متحد در افغانستان (UNDP)، با تسلط دوباره طالبان به قدرت، شهروندان کشور، هفت‌صدهزار (۷۰۰۰۰۰) شغل را از دست داده‌اند.

یافته‌های ما نشان می‌دهد که طالبان بست‌های ۲۵۰ تن از اساتید دانشگاه کابل را تنقیص کرده، ۱۲ تن از دوکتوران مجرب در یکی از مراکز صحتی ننگرهار را منگ و هم‌چنین تمامی رئیس‌ان محاکم، دادستان‌ها و اعضای مسلکی نهادهای عدلی و قضایی کشور را به‌گونه گروهی از وظایف شان برکنار و به‌عوض، افراد خودشان را که اکثریت شان از مدرسه‌های دینی فارغ شده‌اند، مقرر کرده‌اند. انجمن مستقلی وکلای مدافع افغانستان، که از بزرگ‌ترین نهادهای حقوقی کشور بود، بیش‌تر از ۶۰۰۰ عضو داشت، که ۳۰ درصد آن را زنان تشکیل می‌داد، اکنون طالبان این انجمن را ملغاً اعلام کرده و اعضای آن، وظایف و کارهای خویش را از دست داده‌اند. هم‌اکنون، از مجموع وکلای مدافع کشور، ۲۲۷۰ تن در کشور باقی مانده‌اند، آنان، برای تمديد جواز وکالت، ناگزیرند که آزمون مذهبی خلاف رشته تخصصی خویش را سپری کنند و علاوه بر آن طالبان گفته‌اند که باید سوابق هر کدام، به‌منظور روابط احتمالی با سازمان‌های بین‌المللی و حکومت قبلی، از سوی اداره استخبارات طالبان بررسی گردد.

براساس آمار اداره ملی احصائیه و معلومات، در سال ۱۳۹۹ هجری-خورشیدی، ۲۶ فیصد کارمندان خدمات ملکی را زنان تشکیل می‌دهند و در نهادهای عدلی و قضایی، ۲۵۲ زن به‌عنوان قاضی و ۴۳۷ زن به‌عنوان دادستان یا سارنوال، مشغول ایفای وظیفه بوده‌اند.^۱ به‌همین ترتیب، براساس آمارهای رسمی در حوزه آموزش، در سال ۱۳۹۹ خورشیدی، به‌تعداد ۲۵۴۹ تن استاد زن در دانشگاه‌های کشور مشغول آموزش و تدریس بوده‌اند. هم‌چنان، در سال ۱۳۹۹ خورشیدی، ۷۰۵۸۵ تن از معلمان مکاتب تعلیمات عمومی دولتی را زنان تشکیل می‌دادند.^۲ اکنون، با درنظرداشت رویکردهای سخت‌گیرانه طالبان نسبت به زنان، تعداد کثیری از زنان در ساختارهای مختلف، شغل و درآمد اقتصادی خویش را از دست داده‌اند. این در حالی است که تعداد کثیری از این زنان، تنها نان‌آور خانواده و کودکان خود هستند.

طبق گزارش سازمان گزارش‌گران بدون مرز، در یک‌سال حاکمیت دوباره طالبان، ۲۱۹ رسانه، فعالیت خود را متوقف کرده‌است و از جمع ۱۱۸۵۷ روزنامه‌نگار، ۷۶،۱۹ درصد آنان شغل خود را از دست داده‌اند. طبق این گزارش، یک‌سال پیش، در ۱۱ ولایت افغانستان، ۲۷۵۶ روزنامه‌نگار و کارمند رسانه‌یی زن مصروف کار بود، اکنون تنها ۶۵۶ تن آنان به کارهای رسانه‌یی خویش ادامه می‌دهند.

وضعیت حقوق بشری اشخاص دارای معلولیت:

با روی کار آمدن مجدد طالبان، اشخاص دارای معلولیت، مانند سایر افراد این سرزمین، دچار مشکلات شدید گردیده و از اکثریت حقوق بشری خویش محروم شدند. میزان جمعیت معلولین افغانستان، به دلیل جنگ‌های طولانی و فقر فراگیر اقتصادی، بسیار بلند است. طبق گزارش‌ها و روایت‌های نهادهای فعال در عرصه اشخاص دارای معلولیت، در افغانستان در حدود یک‌ونیم میلیون فرد دارای معلولیت وجود دارد.

با تسلط طالبان بر کشور، قانون «حقوق و امتیازات معلولین»، که در سال ۱۳۸۸ هجری-خورشیدی، تصویب و توشیح شده‌بود، لغو شد. از رویکردهای طالبان نسبت به اشخاص دارای معلولیت کاملاً واضح است که این گروه هیچ‌گونه توجه و تعهدی به «کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت» ندارد. طالبان، در یک سال حاکمیت خویش سه بار، به‌گونه کاملاً غیرمسلکی، افراد دارای معلولیت را مورد ارزیابی قرار داده‌است. در این ارزیابی‌ها، یک مولوی با دیدن به ظاهر شخص، درجه معلولیت‌اش را تعیین می‌کند. به‌گونه مثال: اگر یک عضو بدن فرد قطع شده‌باشد ماهوار مبلغ ۳۰۰۰ افغانی مستحق می‌گردد و اگر دو عضو قطع شده‌باشد، مستحق دریافت ۵۰۰۰ افغانی در ماه شناخته می‌شود. در حالی که در گذشته، «کمیسون تثبیت درجه معلولیت»، که متشکل از افراد مسلکی و نخبه بود، بعد از ارزیابی‌های دقیق، درجه معلولیت افراد را مشخص می‌ساخت.

در گذشته، برای تعداد زیادی از افراد دارای معلولیت، در نواحی مختلف شهر کابل، غرفه‌ها و کراچی‌ها برای کسب و کار معلولین، توزیع شده‌بود، با وارد شدن طالبان به شهر کابل، تمامی غرفه‌های معلولین غصب گردید و به‌دیگران کرایه داده‌شد. این امر، تعداد زیادی از افراد دارای معلولیت را به سوی لشکر بیکاران سوق داد. گروه طالبان، نهادهای اجتماعی افراد دارای معلولیت را که تعداد شان به ۱۰۵ نهاد اجتماعی می‌رسید و همه در وزارت عدلیه، ثبت و راجستر بودند، ملغاً اعلان کرده‌است و تعداد زیادی از مؤسسات خدماتی در عرصه معلولیت، فعالیت‌های خویش را در افغانستان متوقف کرده‌اند. در همین دو ماه گذشته، دروازه‌های دو مؤسسه به‌نام‌های «صرف» و «مرکز اجتماعی معلولین»، توسط طالبان بسته شدند.

تعدادی از افراد دارای معلولیت، شکایت دارند که طالبان افراد دارای معلولیت را به «خودی» و «غیر خودی» تقسیم کرده‌اند و برای «خودی‌ها»، امتیازات بیش‌تری قایل‌اند. قرار یافته‌های ما، هر فرد معلول که عضو گروه طالبان باشد، ماهوار مبلغ ۱۵۰۰۰ افغانی (یعنی از سه تا پنج مرتبه بیش‌تر از دیگران) دریافت می‌کند. تعداد زیادی از معلولین نظامی حکومت قبل، از برخورد زشت و ناسزاگویی طالبان شکایت دارند و در یک‌سال اخیر از هیچ‌گونه کمکی

۱. اداره ملی احصائیه و معلومات، سالنامه احصائیه ۱۳۹۹، شماره ۴۲، تاریخ نشر حمل ۱۴۰۰، ص ۲۷ و ۵۸.

۲. همان، ص ۵۹ و ۶۲.

مستفید نشده‌اند. بیچاره‌گی و درمانده‌گی در جامعه معلولیت افغانستان بیداد می‌کند و گروه طالبان هیچ برنامه‌ی برای بهبود وضعیت اشخاص دارای معلولیت ندارد.

وضعیت حقوق بشری زنان در افغانستان

زنان افغانستان، از پانزدهم آگست سال ۲۰۲۱ میلادی به این سو، بدترین وضعیت زندگی را تجربه می‌کنند. حاکمیت تک‌جنسیتی طالبان، در تقابل آشکار با داعیه مشارکت سیاسی زنان قرار دارند و حضور زنان را در سمتهای سیاسی، رهبری و مدیریتی تحمل نمی‌کنند. رهبری طالبان، با صدور فرمان‌های به شدت ظالمانه، حضور زنان را از عرصه سیاست، اداره، اقتصاد و فرهنگ، محو کرده و با تیوریزه کردن اندیشه‌ها و رسوم زن‌ستیزانه، در صدد ساختارمندسازی خشن‌ترین نوع تبعیض جنسیتی در ابعاد مختلف زنده‌گی زنان است.

زنان، در جریان یک‌سال حاکمیت طالبان، حقوق و آزادی‌های مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش را از دست داده‌اند و به نظر می‌رسد که مثلث شوم «کارگزاران استبداد سیاسی»، «راویان قرائت‌های سنتی دینی» و «هژمونی ذهن قبیله‌گرای مردسالارانه»، پیمان بسته‌اند تا نگذارند ظرفیت خفته زنان کشور، آزاد شود. آنان، نیک می‌دانند که تحول دقیقاً از همین جا آغاز خواهد شد.

میثاق بین‌المللی محو هر نوع تبعیض علیه زنان، از میثاق‌های مهم بین‌المللی است که دولت افغانستان در سال ۲۰۰۳ میلادی به آن الحاق کرده‌است. این سند مهم بین‌المللی مقرر داشته‌است که دول عضو برای رفع تبعیض از زنان در حیات سیاسی و اجتماعی کشور، کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد، به‌ویژه تمام حقوق و آزادی‌های بشری را در شرایط مساوی با مردان برای زنان تضمین خواهند کرد؛ حق حیات، حق مشارکت سیاسی، حق آموزش، حق کار، حق‌رهایی از شکنجه و بازداشت خودسرانه، حق آزادی گشت‌وگذار و غیره، از حقوق و آزادی‌هایی است که این کنوانسیون، علاوه بر کنوانسیون‌های دیگر، مجدداً بر رعایت و تطبیق آن تأکید کرده‌است.^۳

در بیست سال گذشته در افغانستان، پیشرفت‌های قابل‌ملاحظه در عرصه تطبیق این کنوانسیون رونما شده‌بود؛ براساس آمار اداره ملی احصائیه و معلومات، در سال ۱۳۹۹ خورشیدی، ۲۶ فیصد کارمندان خدمات ملکی را زنان تشکیل می‌داده‌است و در نهادهای عدلی و قضایی، ۲۵۲ زن به‌عنوان قاضی و ۴۳۷ زن به عنوان سارنوال مشغول ایفای وظیفه بوده‌اند.^۴ به همین ترتیب، براساس آمارهای رسمی در حوزه آموزش، در سال ۱۳۹۹ خورشیدی، به تعداد ۱۱۰۳۱۵ نفر (۲۸ فیصد) دختران دانش‌جو و ۲۵۴۹ نفر استاد زن در دانشگاه‌های کشور مشغول آموزش و تدریس بوده‌اند و به همین ترتیب، در سال ۱۳۹۹ خورشیدی، ۳۹ فیصد ۳۵۶۱۲۶۴ نفر دانش‌آموز شامل مکاتب تعلیمات عمومی دولتی و ۳۶ فیصد ۷۰۵۸۵ نفر معلم این مکاتب را زنان تشکیل می‌دادند.^۵ با تأسف، در یک‌سال که گذشت، تعداد کثیری از این زنان شاغل، وظایف شان را از دست دادند و دانش‌آموزان دختر بالاتر از صنف ششم، تا هنوز فرصت ادامه درس را به‌دست نیاورده‌اند.

نتیجه‌گیری:

یافته‌های گزارش حاضر نشان می‌دهد که از پانزدهم آگست سال ۲۰۲۱ تا پانزدهم آگست سال ۲۰۲۲ میلادی، وضعیت حقوق بشر و رعایت اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی در افغانستان، به‌گونه بی‌سابقه وخیم و نگران‌کننده شده‌است و گروه طالبان به‌طور وسیع، سیستماتیک و هدفمند، حقوق بشری شهروندان افغانستان را نقض کرده‌است. طالبان، با نقض گسترده حقوق و آزادی‌های بشری زنان، گروه‌های قومی و مذهبی آسیب‌پذیر و کارمندان دولت پیشین، هدف قراردادن غیرنظامیان، اعمال خشونت و شکنجه، تهدیدها، بازداشت‌های غیرقانونی، محاکمه‌های صحرایی، غصب ملکیت مردم، مسدود ساختن مکاتب دخترانه، سانسور در رسانه‌ها، نقض حق آزادی بیان و ... از ناقضین عمده حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی محسوب شده و کمافی‌السابق به خلاف‌ورزی‌های خویش ادامه می‌دهد. نکته دیگر این‌که وضعیت حقوق اقتصادی شهروندان کشور نیز به شدت وخیم و نگران‌کننده‌است. فقر و بیکاری به‌گونه بی‌سابقه افزایش یافته و دسترسی مردم به خدمات عمومی، به شدت محدود شده‌است.

از سوی دیگر، گروه داعش، با تحرک محدودتر اما با تشدد بیشتر، شهروندان ملکی و به‌ویژه اقلیت‌های آسیب‌پذیر مذهبی را ظالمانه هدف قرار داده و مرتکب جرایم بزرگ بین‌المللی در کشور گردیده‌است.

مدارک، شواهد و اسناد موجود نشان می‌دهد که هنوز هم طالبان و داعش، علی‌الرغم اعتراض و واکنش‌های ملی و بین‌المللی، به‌گونه سیستماتیک و هدفمند، به رفتار و اعمال ضدبشری خویش ادامه داده و عدم رعایت موازین حقوق بشر و بی‌اعتنایی نسبت به آن را جزو برنامه‌ها و پالیسی‌های رسمی خویش ساخته‌است.

^۳. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی محو هر نوع تبعیض علیه زنان، مصوب ۱۹۷۹، مواد ۷ الی ۱۶

^۴. اداره ملی احصائیه و معلومات، سالنامه احصائیه ۱۳۹۹، شماره ۴۲، تاریخ نشر حمل ۱۴۰۰، ص ۲۷ و ۵۸

^۵. همان، ص ۵۹ و ۶۲

پیشنهادها و توصیه‌ها:

- ۱- به گروه طالبان توصیه می‌گردد که به موازین حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی احترام بگذارند و در تقابل با ارزش‌ها و موازین حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، پرونده سنگین خویش را سنگین‌تر نسازند؛
- ۲- به گروه طالبان توصیه می‌شود تا با تمکین به خواست‌های برحق مردم، محدودیت‌های وضع شده بر حقوق بشری زنان را رفع کند؛
- ۳- بسته‌ساختن مکاتب به روی دانش‌آموزان دختر، لکه ننگ بزرگی بر جبین طالبان است. طالبان باید هرچه زودتر، این لکه ننگ را از پیشانی خویش پاک کرده، دروازه‌های مکاتب دخترانه را بازگشایی کنند؛
- ۴- گروه طالبان بدانند که به‌عنوان گروه حاکم، مسؤول تأمین امنیت شهروندان، به‌ویژه گروه‌های قومی-مذهبی شدیداً آسیب‌پذیر است و باید در زمینه، اقدامات عاجل و عملی را روی دست بگیرد؛
- ۵- به گروه طالبان توصیه می‌شود که محدودیت‌های وضع شده بر رسانه‌ها را کنار گذاشته، باعث آزار و اذیت خبرنگاران و کارگزاران رسانه‌ها نشود؛
- ۶- به جامعه بین‌المللی و نهادهای امداد رسانی بین‌المللی پیشنهاد می‌شود تا شهروندان فقیر کشور را تنها نگذارند و با برنامه‌های منظم و شفاف امداد رسانی، در این مقطع دشوار، دست مردم محروم و فقیر کشور را بگیرند؛
- ۷- به نمایندگی معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما)، پیشنهاد می‌گردد، تا با تهیه گزارش‌های معیاری از وضعیت حقوق بشر در افغانستان، به مردم و ساختارهای جهانی، تصویر واضح‌تر از وضعیت کشور پیشکش کند؛
- ۸- به جامعه جهانی پیشنهاد می‌شود که تا تمکین طالبان به خواست‌های برحق شهروندان کشور و تا رعایت ارزش‌های حقوق بشر و موازین پذیرفته‌شده بین‌المللی از سوی این گروه، حکومت خودخوانده طالبان را به رسمیت نشناسند؛
- ۹- تحریم بیشتر طالبان، جلو بدآموزی‌های بیش‌تر منطقه‌یی و جهانی را می‌گیرد؛ به شورای امنیت سازمان ملل متحد پیشنهاد می‌شود که تحریم‌ها و فشارهای بیش‌تری را بر این گروه وضع کند؛
- ۱۰- از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد خواسته می‌شود تا مأموریت گزارشگر ویژه، افزایش صلاحیت تحقیقاتی و نیز منابع انسانی و مالی تیم وی را تمدید نموده و برای سال آینده، این مأموریت را به کمیسیون حقیقت‌یاب ارتقا دهد؛
- ۱۱- از شهروندان و نهادهای مسؤول کشور تقاضا می‌گردد تا در زمینه مستندسازی تمامی موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را یاری کنند.

به امید تأمین حقوق بشر در افغانستان!